

'ماساژ درمانی'

معجزه انرژی انگستان در شفابخشی دردها

میلرد کارتر - تامی وبر

ترجمه

طلا میرهادیزاده، الهام جلاتی



طب در عهد باستان

یافتن ریشه‌های طب، طبابت به لحاظ تاریخی اگر امری محال نباشد. بسیار دشوار است. لیکن کهن‌ترین اسناد و مدارک تاریخی گواه آن است که در درجه اول چین در ۵۰۰۰ سال پیش و مصر در ۳۰۰۰ سال پیش این فن را شناخته و بکار بسته‌اند.

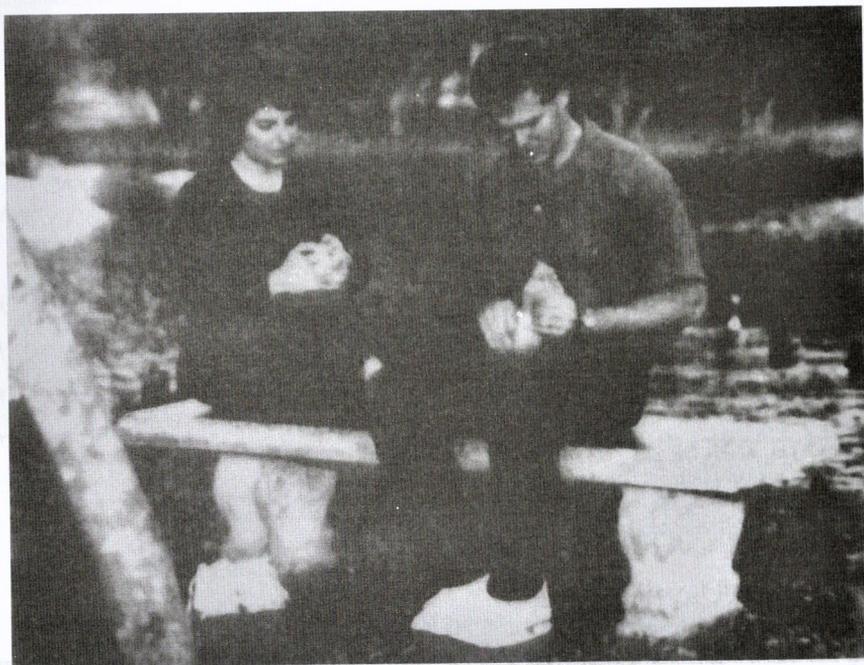
اطباء چینی وقتی بر بالین بیمار حاضر می‌شدند نخست براساس اصول چهارگانه سستی خود بیمار را معاینه می‌کردند. اصول چهارگانه در طب سنتی عبارتند از عناصری که به اعتقاد چینی‌ها پایه‌های حیات هر انسانی را تشکیل می‌دهد؛ عناصر موردنظر عبارتند از: فلز، چوب، آب و آتش. پزشک‌های چینی براین اساس و نیز برحسب معاینات خود، پیش از هر چیز به این می‌اندیشیدند که این چهار با توجه به اختلالاتی که در جسم‌اش بوجود آمده آیا خود، یعنی جسم او توانایی مبارزه با بیماری و رفع آن را دارد یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت بود بیمار را به حال خود رها می‌کرد و درمان را منوط بر استراحت می‌دانست. در غیر این صورت برای معالجه از گیاهان و بعضی مواد طبیعی استفاده می‌کرد. موادی مانند: شیر، عرقیات حاصل از گیاهان دارویی... اساساً مهم‌ترین دغدغه خاطر یک طبیب چینی، حفظ تعادل عناصر حیاتی موجود در بدن بیمار بود. چینی‌ها ظاهر آن‌خستین افرادی بودند که منشاء درد و درمان را در بدن خود بیمار می‌جستند. آنان بدن را به سه ناحیه اصلی سر، تنه و پا تقسیم می‌کردند و معتقد بودند این سه ناحیه و اندام‌های نهفته در آنها با یکدیگر ارتباط دارند. بدینسان کشف این نواحی متصل و مربوط به یکدیگر برای آنان بسیار مهم بود. به عنوان مثال چنانچه بیماری از تپش ناگهانی قلب رنج می‌برد، طبیب چینی دو انگشت سبابه و شست خود را بر چشم‌های بیمار می‌گذاشت و فشار نسبتاً زیادی به چشم‌ها وارد می‌آورد، و پس از چند لحظه بیمار احساس و درد ناشی از تپش ناگهانی قلب خود را از دست می‌داد.

اما در مصر باستان طب و روش های طبی، به گونه ای دیگر بود؛ از نظر مصری ها؛ طب از جمله مشاغلی بود که خدایان به شخص بخصوصی ارزانی می داشتند. و در بعضی اسناد بدست آمده حتی معتقد بودند طیب خدایی است بر زمین نزول کرده و بسیار معزز و محترم. درباره طب مصری تنها می توان گفت به عنصر یا عناصر خاصی توجه نداشتند و بیماری را نوعی انتقام الهی می انگاشتند. آنان به یقین نخستین بیمارانی بودند که در عالم طبابت، بی محابا پدیده ای به نام جراحی را باب کردند، چنانکه بدن بیمار را می شکافتند تا علت بیماری را کشف و سپس ریشه کن کنند. اما وجه مشترک میان طب چینی و مصری آن بود که آنان نیز به کارکرد جسم برای رسیدن به سلامتی اعتقاد داشتند. با ظهور هیپوکراتس یا بقراط وضعیت طب کاملاً دگرگون شد و در واقع اندیشه ها، اعمال و اعتقادات این مرد، مبنای طب امروز جهان واقع شد. بقراط نیز به وجود چهار عنصر حیاتی در بدن آدمی اعتقاد راسخ داشت یعنی سودا، صفرا، بلغم و خون؛ بقراط سبب اصلی همه بیماری ها را در این چهار عنصر جستجو می کرد. و بر این باور بود که حفظ تعادل میان این عناصر پایه و مایه اصلی سلامتی است.

به نظر بقراط بالا رفتن سودا موجب اختلال های ذهنی و نوعی دیوانگی می شد. بالا رفتن صفرا، دستگاه گوارش را تحت تأثیر قرار می داد و موجب به هم خوردن کارکرد طبیعی آن می شد: بلغم جذب و دفع را مختل می کرد و خون عنصری بود که تمامی اندام ها را و نیز کارکرد آنها را کنترل می کرد و مهم ترین اسباب حیات و ممات به شمار می آمد.

طب بقراط پس از فتوحات اسلامی از طریق ترجمه، بخصوص ترجمه اطباء یهودی ساکن در شبه جزیره عربستان به مسلمانان انتقال پیدا کرد، بخصوص بزرگ طبیبان عرب یعنی حنین بن اسحق و فرزندش اسحق بن حنین نقش بسیار مهمی در این انتقال بازی کردند. در دنیای اسلام تنها ابوعلی سینا بود که این شیوه طبابت را درک کرد، بکار بست و بر آن افزود، چنانکه بیش از یک هزاره از تاریخ بشر را به نام خود ثبت کرد.

با شناخت مراکز حساس واکنشی پا، به بدن خود خدمت کنید.
شناخت مراکز حساس دست، کلیدی برای دستیابی به سلامتی کامل بدن است.



تصویر ۱: ماساژدرمانی، روشی ساده و نیروبخش برای حفظ سلامتی است که منجر به هماهنگی بیشتر بدن با طبیعت می‌شود. این روش به وسایل و تجهیزات گرانبه‌ای نیاز ندارد.